

## Punjabi and Saraiki Purbi poetry of Pir Syed Naseer-ud-din Golarvi

\*Muhammad Shah Khagga

### Abstract:

Pir Syed Naseer-ud-Din Golarvi (R.A) was a master poet of Arabic, Persian, Urdu, Purbi and Saraiki, as well as a spiritual saint. We find shades of teacher of poetry in his Punjabi, Purbi and Saraiki poetry. The topic of his Punjabi poetry is Naat and mysticism, while in his mysticism there is a tinge of Sultan Bahu (R.A), Khawaja Ghulam Farid of Kot Mithan and, especially of his grandfather Pir Syed Mehr Ali Shah Gilani Golarvi (R.A). The Sufi saints of Golara Sharif are men of art, literature and spirituality. Most of them were high-ranked scholars, intellectuals, poets and writers. Pir Mehr Ali Shah's poetry is very popular among the Sufi and poetic circles of the area.

**Key Words:** Pir Syed Naseer-ud-Din Golarvi (R.A), Purbi, Saraiki, Mysticism

واژگان کلیدی: معارف الہی، تلمیحات قرآنی، پیر طریقت، منقبت، عرش ناز، شعر پنجابی، جلوه محبوب حقیقی، تحریر سر مستنی، طریق اہل عرفان، دنیا و مافیها، صوت و عناصر موسیقی۔

## اشعار پنجابی، سراییکی و پوربی نصیر گولروی ویر رسی شعری وی \*محمد شاه کهگ\*

**چکیده:**

شعر نصیر گولروی، شعری دل نواز و خوش آهنگ است. بیت های او دارای مضامین اخلاقی و عرفانی است، او بر زبان عربی، فارسی، اردو و پنجابی تسلط زیادی داشت، برای این که با زبان آوری کامل و آوردن مثال های مناسب، بیت های خود را به مضامین دل انگیز آراسته است.

پیر نصیرالدین نصیر گولروی یکی از شاعران بزرگ در عصر خویش و از بزرگ ترین شاعران پنجابی گوی بود. او هم غزل سرای است و هم شاعر زهد و اخلاق و تصوف زیرا او از اولاد شیخ عبدالقدیر گیلانی بود، علم و معارف از وراثت وی است. به همین سبب کاربرد اصطلاحات علوم دینی و غالبه روحیه مذهبی، اشارات و تلمیحات قرآنی و دینی در شعرش فراوان است. بل که هیچ شاعری نیست که از الفاظ و مفاهیم قرآن کریم و قصص آن و احادیث نبوی در شعر خود به اندازه وی به فور استقاده نکرده باشد. شعر او وقف بر بیان توحید و تحقیق و معارف الهی و پند و اندرز است. تو این شیوه وی مطابقت بازآhad و عابد و پیر طریقت بودن وی داردیوی در بیان این مفاهیم آهنگی صادقانه دارد و در بیان انتقادها لحنی تند و بی پروا و صریح دارد چون هد فش بیان و تعلیم معارف الهی و بر انگیختن انسانها به سیر و سلوک طریقت است.

**واژگان کلیدی:** معارف الهی، تلمیحات قرآنی، پیر طریقت، منقبت، شعر پنجابی،

نصیر گولروی در شعر خود معنی و مقصود تام دارد و در هیچ جای کلام خویش معنی را فدای لفظ نکرده و در بسیاری موارد با عباراتی موجز منظور خویش را بیان کرده است. شعر پیر نصیر گولروی از نظر کنهنگی های زبانی و تغییر تلفظ کلمات به شعر شاعران دوران قدیم مانند امیر خسرو، سلطان باهو، مبان محمد بخش و پیر مهر علی شاه گولروی است اما از لحاظ فکری و گستردگی واژگان و ترکیبات و تعبیرات با شعر آن دوره بسیار متفاوت است. اغلب موضوع شعر پنجابی حمد، نعت، منقبت و غزلیه چو برگه است. اما تنها یک منظومه در زبان سراییکی و پوربی در "عرش ناز" موجود است. نصیر، پدرش و پدر بزرگش هم به گولره

دنیا آمدند و گولره نواح راول پندی و در استان پنجاب موجود است. پنجابی زبانی است و زبان ایالت پنجاب است. شاعران پنجابی، شاعران آفاقی بودند یعنی شعر ایشان در جهان معروف و هر دل عزیز است.

پیر مهر علی شاه گولروی معاصر با علامه محمد اقبال لاہوری بود. او هم شاعر پنجابی بود. اگرچه شعر وی اندک است اما معیار شعرش به اوج آسمان رسیده است. موضوع شعر وی فقط مدح پیغمبر(ص) و منقبت است. ابیاتی که درباره پیغمبر اکرم(ص) نوشته شده است خیلی جالب، پُر معنی و محبت آمیز آن دین یعنی او از نظر زمانی و هم از نظر شعر فارسی و پنجابی و به ویژه شعر عرفانی، بر قله ای رفیع ایستاده است. علاوه بر این، نصیر گولروی با شعر سایر شاعران بزرگ گزشته خود نیز آشنای است و از بعضی از آنان در آثار خود نام برده یا مصراج هایی از آنان نقل کرده است و در بعضی جاها، او از شعر شاعران بزرگ ممتاز می شود. "خیال" نوعی از شعر موسیقایی محلی است که بیشتر شاعران آن را مورد طبع آزمایی قرارداده اند.

"خیال" پیر نصیر الدین گولروی هم خواندنی است که به زبان هندی است. چند ابیات به زیر قرار است:

هم کا دکھائی دیت ہے ایسی روپ کی اگیا ساجن مان  
جهونس رہا ہے تن من ہمرا نیر بھر آئے انکھیں مان  
دور بھئے ہیں جب سے ساجن اگ لگی ہے تن من مان  
پورب پچھم اُتر دکھن ڈھونڈ پھری بن بن مان  
درشن کی پیاسی ہے نجر یا ترسین انکھیاں دیکھن کا  
هم سے روٹھے منه کو چھپائے بیٹھے ہو کیوں چلمن مان  
ایک تھاری آس پہ ساجن سگرے بندھن توڑے ہیں  
اپنا کر کے راکھیو موہے آن پڑی ہوں چرنن مان

ڈال گلے میں پیت کی مala خود ہے نصیر اب متوا  
چتون میں جادو کا جتن ہے رس کے بھرے تورے نین مان

(عرش ناز، ص78)

شعر نصیر گولروی، روان و سادہ است۔ بسیاری از مضامین او، تکرار مضامین قدما است، اما مضامین تازہ نیز دارد۔ این "خیال" بہ پیروی امیر خسرو دھلوی نوشته است۔ دورہ پیر نصیر الدین گولروی تاحدودی دورہ انحطاط شعر فارسی در شبہ قارہ بود یعنی زبان عربی و فارسی در این دورہ هم رواج کمتری دارد۔ برای درک مطالب خیال وی، باید سطح دانش خواننده ارفع باشد، وی برای رساندن پیغام خود، زبان پنجابی را انتخاب کرده است۔ زیرا بیشتر مردمان در ایالت پنجاب زبان پنجابی را بهتر می فهمند۔ بہ همین سبب پیر نصیر گولروی خیال خود را به زبان پنجابی و سرائیکی می سرود۔ او نعت رسول اکرم(ص) را که پیر مهر علی شاه گولروی نوشته بود، و در خیلی معروف شده بود، تضمین کرده است۔

تضمين نصير هم معروف شده است۔ ابياتي چند از آن به زير قرار اند:

او هدى دل نؤون تانگھه بتيري اے جهدی ازلون شان اُچيري اے  
رباً وصل دے وج کيه ديري اے اج سک متران دی ودھيري اے  
کيوں دلڑي اداس گھنيري اے لون لون وج شوق چنگيري اے  
اج نينان لائيان کيوں جھڙيان

رب سچے دی برهان آکھاں	انھوں هستی دا عنوان آکھاں
اس صورت نونمیں جان آکھاں	یاں اکھیا دا قران آکھاں
سچ آکھاں تے رب دی شان آکھاں	جانان که جان جهان آکھاں
جس شان تھیں شانان سب بنیاں	

(دین ہم اوست، ص706)

کيتا دل نه کسے دا اداس تسان	جامہ رحمت والا راس تسان
يعطيك ربک داس تسان	ساری اُمت دا احساس تسان

فترضی تهییں پوری آس اس ان

لچ پال کریسی پاس اس ان

وا شفع تشفع صحیح پڑھیاں

کیہ جن و بشر، کیہ شاہ و گدا

ڈلھی جس وی نصیر اوہ شان خدا

اجملک

سبحان الله ما

اُدے هوش تے مونھوں بول اُٹھیا

کتھے مهر علی کتھے تری ثنا

ما احسنک ما اکملک

گستاخ اکھیں کتھے جا اڑیاں

(همو، ص ۹، ۱۰)

اینها بهترین ابیات در ستایش پیامبر اکرم(ص) به زبان پنجابی اند. ناقدان ادب، درباره این نعت با اتفاق می گویند که سبب شهرت این نعت پیغمبر(ص)، این است که این به بارگاه رسالت(ص) مقبول است. اگرچه در این نعت واژه های عربی و فارسی به کار برده اند اما باز هم، در مردم خواص و عام مقبول است در اصل شهرت وی مدح رسول(ص) است.

نصیر گلروی به صراحت می گوید که کامیابی و کامرانی ما فقط در اسوه حسنہ است و در توصیف کردن پیغمبر اکرم(ص) است زیرا که در قرآن کریم، خود خدای متعال ستایش کرده است. پیر نصیر پس از جد بزرگ خود، بزرگ ترین شاعر و عارف مسلک بود.

در زبان پنجابی داستان به قالب مثنوی نوشته شده است و موضوع اش هم عشق حقیقی و هم عشق مجازی است. شاعران پنجابی که در میدان ادب معروف شده اند، ایشان عربی و فارسی نیز می دانستند. شاعری که بهره ای از عربی و فارسی ندارد. تخیل وی ناقص و یک بعدی است. پیر نصیر الدین یکی از شاعران قوی دست پنجابی و از استادان عربی و فارسی بود. او در زبان عربی و علوم زمان خویش مهارت داشته بود. و چون ذهنش بدین علوم مشغول بوده، مفاهیم و اصطلاحات آن هارا فراوان به کار برده و در صور خیال شعری خویش نیز از آن ها بهره گرفته است. پیر نصیر گلروی عرفان را در قالب غزل وارد کرده است و در زبان پنجابی غزل "چو برگ" هم نوشته است. مضامین وی مثل غزل فارسی دوره ایلخانی و

سلجوچی اند. مثلاً : بی و فای دوست، بی پروای دوست، سنگ دلی، عشوه، غمزه و شوخی، هجر و فراق، عاشقانه و رندانه، حقیقی با مجازی و زلف و رخسار وغیره۔  
نمونه های غزلیہ چو برگی به زیر قرار اند:

سورج عمر تے آس دا ڈب چلیاکردا اجے وی نهیں سو هنا یار گلان  
لوک بولیاں مار دے هر ویلے، کٹن چھاتی نوں وانگ تلوار گلان  
لیکھاں والیاں نال کیه ریس ساڑی، کرئے اوہناں دے نال دلدار گلان  
آجا ساہواں دا نهیں وساہ کوئی بوہے مار بھیے، کرئے چار گلان

(عرش ناز، ص89)

در این ابیات، چنان که می بینیم، هنر خیال آفرینی و درد انگیزی نصیر به اوج خود رسیده است. اینها نمونه خوب شعر پنجابی وی است و به یاد سپردنی و دوست داشتنی۔

واه واه هجر فراق دی اگ ڈاٹھی دھکهن دلان دے نال سریر وکھرے  
ڈاروں و چھڑے پنچھی جیوں هون رخمی، بھکھے تے تے اتون اسیر وکھرے  
شام پیندیاں ای ڈب ڈب آس جاوے لگن روح تے سوچ نوں تیر وکھرے  
هوندا رھوئے جهان وچ هور سب کج شala هون نه ویران تو ویر وکھرے

(همو، ص88)

جایی دیگر نیز شبیہ شعر سرایی وی وابراز احساسات و عواطف وی در خور ستاپش است:

تیرے داغ فراق نوں دل چمسی لکھاں داغ قلب داغدار تے سھی  
جاوان تیریاں ادواں دے میں صدقے و گڑی زلف نوں ذرا سنوارتے سھی  
تینون رب نے جے باد بھار کیتا ایهو کرم اس مشت غبار تے سھی  
تیری تاھنگ اڈیک نے مار سٹیا کدے آویں ها بھاویں مزار سھی

دونوان اکھان نے رو رو کے رہ پاے او هدی خبر ہوا وی نهیں آئی  
 ایسا دل دا شہر خموش ہو یا کوئی کوک صدا وی نهیں آئی  
 رب نے ساہوان دی ڈور وی نهیں کھچی مینون لین قضاوی نهیں آئی  
 اتون قسمت نے ہور ہنیر کیتا مڑ کے باد صبا وی نهیں آئی

(همو، ص ۹۱)

پیر نصیر گولروی محتوای شعر فارسی را به قالب شعر پنجابی به خوبی به کار می برد. به این سبب تخیل وی در ادبیات پنجابی به تکامل رسیده است. مضامین وی در شعر پنجابی عاشقانه هم است. زبان نصیر بسیار شیوا و لطیف است. نمونه ابیات پنجابی را ملاحظه بکنید:

پھلے وانگ پتنگ دے ڈور دے کے فیر کٹ کے پتنگ دی کار لٹیا  
 دے کے مفت دلاسرے یاریاں دے اکو وار تے کیه لکھاں وار لٹیا  
 ایسا کرن دی نهیں سی امید جس تے اسے آپ بن کے پھرہ دار لٹیا  
 کریئے شکوه نصیر خزان دا کیه ساٹے باع نوں آپ بھار لٹیا

(همو، ص ۹۰)

درک اسرار الہی و دیدار جلوہ محبوب حقیقی، نصیب هشیاران نیست. برای آن حالت، تحریر و سر مستی هم لازم است. یعنی عشق حقیقی وارداتی مختلف دارد که طریق اهل عرفان است و قتنی که جذبہ عشق حقیقی غالب می شود. فرق بین دوست و دشمن از بین می رود و آهسته آهسته اهمیت دنیا و ما فیها هیچ می شود و لذت های عیش و عشرت عارف کامل تمام می شود و در دل عاشق حسن دوست جا می گردد و بر عاشق چنین کیفیتی جاری می شود و می گوید:  
 الف اج میرے دل دے شہر و چوں نواں راہی عجیب اک آلنگھیا  
 نهیں سی جان پچھان پرکیه دسان کیه دس کے ناز و ادا لنگھیا

اوہدے طرز خرام دی شان نہ پچھے پیر دب کے وانگ صبا لنگھیا  
پتھ لگ نهیں سکیا نصیر اج تک بندہ لنگھیا کہ آپ خدا لنگھیا

(همو، ص92)

افزون بر آن، در شعر او واژه های موسیقی و گاھی بی معنی، و اسم های صوت و  
امثال آن به کار رفته است مانند "سارے گا ما پادھا نی سا" و تک دهن تا تھیا و غیر مدر شعر  
موسیقی نصیر، عناصر و تکرار لفظی، قوافی و ردیف زینت شعر است.

عین عشق دی جنهان نوں چاٹ پے گئی بھنگڑا پا کے سر بازار نچدے  
گاکے راگ ملھار بھار سندا جھمّر پاؤندے تے پیر مار نچدے  
تک دهن تا تھیا تک دهن تا تھیا پیلان پاپا دم دیدار نچدے  
جیھڑے جھوٹیاں شانال دے نهیں بھکھے چھڈ کے خودی اگے در یار نچدے

(همو، ص93)

اساس مضمون در این شعر این است که وقتی عاشق صورتِ معشوق شد، او دیوانه و  
سودایی شد و در فصل بھار باراگ ملھار می رقصد، خیال نصیر بر این طرز، بیشتر در پیروی  
دھلوی مثلاً: خسرو امیر از است.

آن روز کہ روح پاک آدم به بدن  
گفتند در آنمی شد از ترس بدن  
خواندند ملایکان به لحن داؤد  
درتن درتن در آ درآدر تن در تن

(امیر خسرو دہلوی، ص381)

ابیات پنجابی اگرچه اندک است اما لبریز از معانی و تأثیر درد است. پیر نصیر گولروی به پیروی ابیات با هو هم شعر نوشته است یعنی بعد از هر مصراع "هو" تکرار می‌شود چند بیت از وی بدین روش به قرار زیراست:

وحدت دا دریا جلالی هر کوئی جس تھیں ڈریا هو  
سک بھرنے دی هر دل وچ پر ورلیاں بھانڈا بھریا هو  
جس وی غوطه اس وچ لایا اوہ نصیر نه مریا هو  
اس دریا دیاں پٹھیاں چالان جو ڈبیا سو تریا هو

(در رنگ ابیات باهو، ۱)

التجای نصیر درباره رسالت مآب (ص):

پھلی رات قبر وچ میری مکه دا نور وسائلیں هو  
کوثر پیلا پاکان والا مینوں گھٹ پلانیں هو  
جد اعمال ترکڑی تلسن جهات کرم دی پائیں هو  
میں ڈرسانمرے کول کھلوویں چھڈ کے دور نه جائیں هو

(همو، ص ۴)

در قرآن کریم آمده است که روز محشر اعمال هر انسان میزان خواهد شد به جنت یا دوزخ رفتن هر کس آشکار خواهد شد. اما نصیر گولروی اعتقاد دارد که روز حشر نزدیک میزان پیغمبر اکرم (ص) شده باشد. به همین سبب، من نه از تاریکی گور و نه از روز بعث نمی‌ترسم. اندیشه‌های نصیر اگر کهنه و سنتی است، باکار بردوازگان تازه و شیوه‌هی بیان نوین جدید به نظر می‌رسد. یعنی هر لفظ و هر بیت نصیر تأثیری دارد و در دل هیچان به وجود می‌آرد. اوبه شیخ عبدالقدیر گیلانی اعتقاد زیادی دارد و از اولادِ غوث اعظم هم است. هر صوفی و شیخ ارادت به شیخ گیلانی را اعزاز و فخر خود می‌داند. قصّه‌ای که منسوب به غوث اعظم است که مولانا غنیمت کنجاهی هم نکر کرده است. ابیات پنجابی، درشان پیران پیز ملاحظه

بکنید:

هک بڈھڑی بغداد نگر وچ روندی بیٹھ کنارے هو  
 تڑفے تے فریدان پاوے هته مٹیاں تے مارے هو  
 ڈب گیا میرا سہریاں والا نال براتی سارے هو  
 دجلہ دریا ٹھائھاں مارے کردی موت اشارے هو  
 اچن چیتی میران آئے کردا سیر نظارے هو  
 بڈھی وچ قدماء ٹگ کے روے تے عرض گزارے هو  
 کون هووے جیھڑا موڑے میرے ڈبے چن تے تارے هو  
 پیر هووے تے میران جیها جیھڑا لاوے نه جھوٹ لارے هو  
 عبدالقادر هته اٹھائے اگے رب پیارے هو  
 واہ نصیر پُتر زہرا جس ڈبے بیڑے تارے هو

(همو، ص 11)

مضمون های گونا گون نصیر به طرز ابیات باہو به زیر قرار اند:  
 یاراں دی گل چھیڑ نہ یارا اج دے یار لٹیرے هو  
 اڈن توں پر تولدے رہندے پنچھی جیوں بنیرے هو  
 جے لبھتے پچھے پچھے نہ لبھتے اگیرے هو  
 جانی پار نصیر نہ ملدے نانی یار بتیرے هو

(همو، ص 12)

جائی دیگر:

جک جک جیوں یار سچیرے ویکھاں سدا اچیرے هو  
 وسن گلیاں، کھلن بوھے، کدی نہ مگن پھیرے هو  
 رونق میلے گلّاں باتاں درشن شام سویرے هو  
 یاراں نال نصیر بھاراں یاراں باھجھے هنیرے هو

(همو، ص 13)

تخیل نصیر در بارہ شب هجر:

کالی رات جدائی والی غم دے گھپ ہنیرے ہو  
 اڈیاں چا چا راستے ویکھاں روواں شام سویرے ہو بولے کاک بنیرے ہو  
 شالا مُگے رات هجر دی  
 سرفربان نصیر کراں جے یار آوے گھر میرے ہو

(همو، ص 14)

دربارہ شعر پنجابی سیدنصریل گولروی نظرات دیگران انک و مختصر ہستند، طارق حبیب، مربی اردو در دانشگاہ سرگودھا

(طارق حبیب، اخبار اردو، ماہنامہ، ص 27)

شود و روش زبان و بیان وی قابل رشک است۔

پروفسور محمد یسین قمر، شاعر نعت، دربارہ فن نصیر گولروی به من نامہ ای نوشت،

می خواهم دوسرے زیر کہ بنویسم: بنویسم

"حضرت پیر نصیر الدین گولروی اوہ ہستی نیں جنہاں اپنی خاندانی ریت نوں انج نبھایا"

کہ علم و ادب دی دنیا وچ اوہناں دا نان ہمیشہ سر کڈھوئیں لکھاریاں وچ لکھیا جاندا رہوئے

گا" یک شاعر پنجابی زبان، آفای رای محمد خان ناصر، در نواح ننکانہ صاحب، زنگی می

کند، به من نامہ ای فرستاد، می خواهم سطر ہائی مهم ازنامہ وی بنویسم:

"نصیر الدین نصیر بختان آلیاں ورلیاں وچوں اوہ نصیبیاں آلا اے جناں دے پدھ ٹڑ دے

راہندے نیں، نہ تاں اوہناں دے پیر تھکدے نیں، تے نا ای او نان دی ریجھ لاندھی اے۔ اوہ

آپدے دادے تاجدار گولڑہ پیر مهر علی شاہ هوران دے اوہ لیکے ہوئے رستے تے جتن تائیں

ظریا، پکے پیریں سو هنا ٹریا۔ اے ہے وڈی ساری گل ہوندی اے، جیہڑا قطرہ سمندر دے وچے  
رہ کے وچوں ای کوئی سپی لبے لووے تے موتی بن جاوے۔ قطرہ سمندر نالوں وڈا تان نهیں  
ہندا، پر اوہندا اپنا مل تے اپنی سیان ضرور ہندی اے۔"

خواجہ غلام فرید، به زبان سرائیکی شعر سرود، پیر نصیر گولروی بیت ہای سرائیکی بہ  
پیروی از خواجہ غلام فرید سرودہ است. استعارہ وی لفظ "پنل" بہ معنی عشوق یا مشوق

حقیقی

است. مثلاً:

هر جا ذات پنل جی

عاشق جان یقین

هر صورت وچ پار دا جلوہ

کیا اسمان زمین

احد اها بن احمد آیا

موہیس چین مچین

جائی دیگر:

هر جاذات پنل دی ہے

صوفی سمجھ سنجان

جائی دیگر:

## پنل آوم اکل لاوم

پووم قبول دعائين

باجه مٿهل دے باجه نه کائى

سجهم نه هر گز واھين

روز ازل دى اين جگ اوں جگ

مینباندي تون سائين

(کليات فريد، ص140)

پير نصير هم "پنل" را مخاطب مي کنم و مي گويid که اى پنل بياييد که بي تو بسر نمي

شود.

يعني بي همگان بسر شود، بي تو بسر نمي شود. چند بيت درباره "پنل" به زير قرار اند:

آپنلا باغ بهار انوئے

مین گھول گھتی لکه واراں وے

اه پر کيف ترانے بهل گئے

می خانے، پیمانے بهل گئے

سب و سريم مینگه ملها راں وے

آپنلا باغ بهاراں وے

مین گھول گھتی لکه واراں وے

## دلڑی غرق غماں و چه هوئی

راہ نصیر نوں دس جا کوئی

ہک جندڑی تے درد هزاراں وے

آپنلا باغ بھاراں وے

مین گھول گھتی لکھ واراں وے

(عرش ناز، ص 88)

در این ابیاتِ سرائیکی، دردِ هجر، صدمہ فرفت و دردِ غم جانان است. یعنی بیان

احوال عاشقانه در این ابیات بسیار متد اول است و معشوق در این ابیات مظہر زیبایی، بی

وفایی، عاشق کشی و حق نا شناسی است. معشوق در این شعر ها، مرد است نه زن. این قصہ

ای که مشتمل بر عشق و محبت بود. "سسی و پنون" پنون نامی بلوج بود و باسنسی بی و فایی

کرده بود.

موضوع نصیر گولروی در ابیات پنجابی و پوربی هم حکمی، عرفانی و بزمی است.

در اصل زبان معروف و بزرگ هندی و پنجابی است و دیگر لهجه های مختلف اند مثلاً

سرائیکی، پوربی و پوتھوہاری وغیرہ. در ابتدا شعر های این روش امیر خسرو دھلوی نوشته

بود. او مرید خاص حضرت خواجه نظام الدین محبوب الہی بود و بیشتر در مدح شیخ خود می

نوشت۔ مثلاً: موہرے اپنے ہی رنگ میں رنگ لے نجام نصیر گولروی در مدح شیخ عبدالقادر  
محبوب سبحانی چنین می گوید:

میں تو جاون گی واری میں اڑاون گی آج گلال  
مورے انگنان میں آئے محی الدین جیلانی لجپال  
تورا نام جپوں گی، چاہے کرپا سے دیکھ نہ دیکھ  
توری بن کے رہوں گی، صدقہ جہولی میں ڈال نہ ڈال  
موری میلی چزربا، سکھیاں پہنت اجلے جورے  
میں تو پھرت ہوں نر دھن اور گٹھڑی میں سب کی لال  
پیتم کا سے کھوں میں تم بن دکھ بپتا یہ اپنی  
آئی دوار پہ تھارے، اب تو کھہ کے جاؤں کی حال  
این ایات بہ زبان پوربی ہستند، این بسیار خوب و خواندنی اند۔

جائی دیگر:

مورے جگ اجیارے غوث پیا  
تورا قائم سدا بغداد رہے  
ترے کارن جینا مرنا ہے  
رونا ہے، آہیں بھرنا ہے

دکھیاری یہ کیوں ناشاد رہے

تورا قائم سدا بغداد رہے

(فیض نسبت، ص 160)

شعر نصیر گولروی از نظر جوہر شعر و عناصر خیال، یکی از قوی ترین و ناب ترین  
شعر ہائی پنجابی است۔ او گاہی در غزل اردو، بیت پنجابی ہم می آمیزد این روش جالب و  
مؤثر است:

ہک تویوں تے ہیں میریاں آسان دا سهارا

فر یاد کران کینوں جے تینوں نہ کران یاد

قربت میں نصیر آج یہ کیا خدشہ دوری

بہتر ہے نہ کر فصل بھاراں میں خزان یاد

برای حاسدان نصیر بہ این طور می گوید:

تکلیف دے گھٹ بھرے اس ان کل کوڑے

اج بیٹھے آں سکھ دے نال ہو کے چوڑے

جے رب نے اسانوں کج فضیلت دتی

کیوں ہوندے نے ایویں لوك اوکھے سوڑے

(رنگ نظام، ص 178)

دربارہ شکوه بی قدری می گوید:

بے قدران کج قدر نہ جانتی کیتی خوب تسلی هو

دنیا دار پجاري زر دے کتیاں دے گل ٹلی هو

بک بک اتھرو روسن اکھیاں ویکھو حویلی کلی هو

کوچ نصیر اسان جد کیتا پے جاسی تھر تھلی هو

قربت مین نصیر آج یہ کیا خدشہ دوری

بہتر ہے نہ کر فصل بھاراں مین خزان یاد

برای حاسدان نصیر بھ این طور می گوید:

تكلیف دے گھٹ بھرے اسان کل کوڑے

اج بیٹھے آں سکھ دے نال هو کے چوڑے

جے رب نے اسانوں کج فضیلت دتی

کیوں ہوندے نے ایوین لوك اوکھے سوڑے

دربارہ شکوہ بی قدری می گوید:

بے قدران کج قدر نہ جانتی کیتی خوب تسلی هو

دنیا دار پجاري زر دے کتیاں دے گل ٹلی هو

بک بک اتھرو روسن اکھیاں ویکھو حویلی کلی هو

کوچ نصیر اسان جد کیتا پے جاسی تھر تھلی هو

## منابع و مأخذ

- 1- احمد ظہور الدین، دکتر (1980 م)، پاکستان میں فارسی ادب، ادارہ تحقیقات پاکستان، دانشگاہ پنجاب، لاہور۔
- 2- جامی گیلانی، گولروی، غلام نظام الدین (2000 م)، عنوان آرزو، مکتبہ مہریہ نصیریہ، گولرہ شریف، اسلام آباد۔
- 3- چشتی، محمد رفیق، قاری، (2010 م)، خطباتِ نصیریہ، ج اول، راولپنڈی۔
- 4- سعدی، مشرف الدین مصلح (1980 م)، بوسٹان سعدی، مکتبہ میدان انقلاب، دانشگاہ تهران، ایران۔
- 5- شمیسا، سیروس (1378 ش)، علم بیان و معانی، تهران، ایران۔
- 6- صدیقی، ظہیر احمد، پروفسور، تنقید و تحقیق و ادبیات، مجلس تحقیق و تالیف فارسی، دانش گاہ گی سی لاہور۔
- 7- فروغی، محمد علی، (1385 ش)، کلیات سعدی، مصلح الدین سعدی، انتشارات هرمس، تہران، ایران۔
- 8- محمد شاہ کھنگ، (2007 م) مہر نصیر، ضیا القرآن پبلی کیشنز، لاہور۔
- 9- کرم حیدری، پروفسور (2002 م) پیر مہر علی شاہ (پنجابی فارسی کلام اور اردو ترجمہ) منصور بک ہاؤس، لاہور۔
- 10- محمد امین کھوکھر، (2006 م) اسلامی اخلاق، تصوف، مکتبہ دانیال، لاہور۔
- 11- دکتر کوہاتی، محمد صحبت خان، (2010 م) فروغ علم، کراچی۔
- 12- بابوجی، غلام محی الدین (2000 م) مکتوبات مسافر چند روزہ، مکتبہ مہریہ غوثیہ، گولرہ شریف، اسلام آباد۔
- 13- مشتاق، غلام معین الدین گیلانی، (1995 م) اسرار المشتاق، مکتبہ مہریہ غوثیہ، گولرہ شریف، اسلام آباد